

شکوه مقاومت و "کوره آدم سوزی"

گردهمایی امسال خود به تنهایی حماسه ای است. روایتی است از رزمی اسطوره ای. داستانی است از نگاهی متفاوت به هستی و "کاهشکشان". نشانی است از معجزه تشکیلات و کار جمعی. همان چیزی که در صدد تخریب آن بودند و هستند. ملایان و دوستداران آنها تمامی توش و توانشان را برای "نجات" اسیران در "تشکیلات مجاهدین" بسیج کرده اند، تا این "اسطوره‌ها" و "حماسه‌ها" و "معجزه‌ها" خلق نگردند، تا چیزی به نام "خانواده" بسان سیرن (Siren) با نغمه‌های احساس برانگیز آنها را چون یاران اودیسیوس (Ulysses) طلسم کرده به کرنش کشاند، تا مقاومت مهندسی نشود، تا پروژه تربیت کادرها، مدیران و عنصر هم‌جانبه در سطح کلان بوقوع نپیوندد، تا ارزشهای مسخ شده انقلابی دوباره جان نگیرند، تا نسل شورشی منکوب شده به میدان نشتابد تا کانونهای مقاومت نشکند.

راز سر به مهر خلق این سمفونی‌ها را باید در تشکیلات و فلسفه انسانشناسی عمیق نهفته در آن جستجو کرد.

گردهمایی امسال برگی است درخشان در حیات مقاومت. اثری است شگرف و ماندنی در خاطره جمعی. وطن پرستان و عاشقان آزادی حتماً بر این باورند. این کار سترگ فنی و سازمانده‌ی شگرف انگیز بیان تمثیلی "می‌توان و باید" است. با ضرس قاطع می‌توان بر این گذاره پای فشرد که خلق این حماسه در جغرافیای سیاسی ایران فقط در ظرفیت تشکیلات مجاهدین است. این کار زنان و مردان خود ساخته ای است که فرهنگی کهنسال آنها را به مردمشان وصل می‌کند. و راستی غرور آفرین نیست؟ آیا این تابش نور در ظلام و در "های وهوی و شیون دیوانه وار باد" و در "تلاهای تار" نبود؟ (شاملو) آیا برافروختن شمع کم سویی هم نبود؟ آیا نباید حمایت وطن پرستان عاصی از ملایان را برانگیزاند. اگر غیر از این است باید در مخالفت آنها با رژیم به دیده تردید نگریم. آیا "کشتن چراغ" سور "ابلیس مست" را فراهم نمی‌کند؟

در فرای مرزها "خبرنگار" ی از برلین (احسان نوروزی) در مصاحبه با ایران اینترنشنال از پخش مستقیم گردهمایی سراسری شورای ملی مقاومت به خشم آمده و احساسات خود را نسبت به دیدن گردهمایی با واژه‌هایی چون "سر گیجه"، "هراس" و "تهدید" و "صحنه آریهای خطرناک" بیان می‌کند. قابل ذکر است که دویچه وله فارسی ایشان را در ماه ژوئن امسال بخاطر گرایش به خشونت اخراج نموده است. این "خبرنگار" در پست توئیتری خود نوشته بود که اگر کسانی که به حجاب اعتقاد دارند را در "کوره آدم سوزی" بریزند، دنیا جای بهتری خواهد بود. این بیان در قوانین اروپا از مصادیق "نفرت پراکنی" است و گوینده تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. این موضع‌گیری آنچنان مفتضحانه بود که کسی به اخراج او از دویچه وله اعتراض نکرد.

صرفنظر از جنبه کیفری و جرم‌شناسانه آن، این نگرش شریکانه است و از شریعتی نشأت می‌گیرد که نحوشتش دیگر پنهان نیست. با چنین اندیشه ای ایشان به پوشش خبری نشست امسال واکنش نشان داده و به آن اعتراض "جدی" دارند. او خود را مدافع "حراست از سلامت روانی جامعه" دانسته و پخش این گردهمایی را به صلاح "خیر عمومی" نمی‌داند. عجباً، این واژگان چقدر آشناست. چهل سال آژگار است که بساط دار و درفش و شخم زدن قلبها بر پاست، تا "خیر عمومی" و "سلامت روانی جامعه" از منظر شریعت منحوس ملایان تامین شود، آنهم "باکده" و ساتوری خون آلود" و با بهای "کباب قناری بر آتش سوسن و یاس". آری هرکس به آنچه دارد دلخوش است. ایشان با تکیه بر کیرابلیسی خود را واجد شرایط برای "حراست از سلامت روانی جامعه" ارزیابی می‌نماید و راهکار این ایشان برای این "حراست" هم چیزی جز "کوره آدم سوزی" نیست.

این چنین است حدیث "منتقدین مجاهدین".

عجبا معترضین به پوشش خبری نشست مجاهدین، خود از تمامی مواهب جهان دمکراسی بهرمنده شده، ولی با روحی استبدادی آن را از مجاهدین دریغ می‌کنند. اینان مدافعان جدی دمکراسی برای خود و "خودی‌ها" می‌باشند. و البته منتقد "روابط غیر دمکراتیک" درون مجاهدین هم هستند. نباید به اشاعه شریعت ملایان در فرنگ بی تفاوت بود. از دیکتاتور بزرگ آموخته اند که فضا را قفل نمایند، آزادی را برای "خودی" ها ارج نهند و در پس "خیر عمومی" سلطنت شر را به پا کنند. "تمامیت خواهان" با تکیه بر شریعت مدرس با شانتاژ و فشار بر روی ایران اینترنشنال فرهنگ سانسور را اشاعه می‌دهند و خوف می‌پراکنند. دمکراسی جهانی است چند آوایی، منش دمکراتیک با دو پاره گی جهان سر ستیز دارد.

اما.....

کاهشکشان امسال به درون خانه‌ها رفت، خانه‌ها را فتح کرد و شعله‌های گرم امید مقاومت را به گنج منازل کشاند. کاهشکشان امسال موضوع جدلها گردید، هنرمندان و ظرفیت بسیاری را به موضع‌گیری کشاند، مردم در خانه‌هایشان با صحنه‌هایی مواجه شدند که تا کنون ندیده بودند، صحنه‌هایی قدرتمند، جذاب و شورانگیز، مملو از طرب و شور همراه با سخنرانی‌های طراز اول و گفته‌هایی امیدبخش و راهگشا. آنان با سازمان و تشکیلاتی مواجه شدند که گویا در "بحران" است و نابود شده است. تصاویر با ما سخن می‌گویند، احساسات نوینی را در ما می‌آفرینند. کاهشکشان امسال احساسات انقلابی را شکوفا کرد. شکوه این نشست بسیاری را مبهوت و در عین حال امیدوار نمود. صحنه آریایی‌های نوین، بدیع، ملون، موزیکال و حرفه‌ای تحسین و تعجب بسیاری را برانگیخت. افراد فراوانی به نگارنده گفتند که آنها در مبارزات انتخاباتی دو حزبی آمریکا هم شاهد چنین صحنه‌هایی نبوده‌اند. این جمله غرور آفرین نیست؟ آنهم در زمانه‌ای که نام ایران، شرارت ملایان را در ذهن "شهروند جهانی" متبادر می‌کند.

آن "بانوی روسری بسر" در هیئت فرمانده ای فرهیخته در جهان مدرن، پیام ویژه ای را مخابره کرد، شیوخ زن ستیز معنای این پیام را بخوبی می فهمند. کهکشان امسال در منازل بذر پاشید. همچون بذرهای پاشیده شده در دوران فتح مهران و عملیات فروغ جاویدان در مناطق آزاد شده. اشرف 3 با کهکشان به خانه ها راه یافت و "راه" را به جوانان، به معترضین، به مالباختگان، به معلمان، کارگران و دستفروشان، به زنان و مردان و به همه له شدگان در برهوت آخوندی نشان داد. نشست سالانه امسال در خانه های مردم و بر سر سفره هایشان برگزار گردید. و آنها را بسیار شاد نمود. امسال مجاهدین در خانه های مردم همدلان فراوانی را صید کردند.

آری من کم کم دارم احساس این خبرنگار از برلین را می فهمم. او حق دارد "سر گیجه" بگیرد، "هراس" کند و نظام ملایان را در محاصره "تهدید" ببیند.

مخالفت با مقاومت ایران و مجاهدین حتما دلیل سیاسی کم‌رنگی دارد. علت این دشمنیهای هیستریک را از رومن رولان می پرسیم. او می گوید:

"استبداد ناپیدای روح بر دوش فرد سنگینی می کند [...] زیرا در هر کس روح نهفته ای هست، نیروهای کور و دیوهای هست که در او زندانی مانده اند، همینکه طوفانی برخاست، همینکه سدها شکسته شد، همینکه دیوها آزادی یافتند، و با جانهای دیگری که دیوهای مشابهی در آن سر به شورش برداشته اند، مصادف گشتند، بسوی هم می تازند و یکدیگر را در آغوش می فشردند." (رومن رولان، ژان کریستف). مجاهدین دیوهای درونی و این مستبد نهفته را با انقلاب درونی خود به چالشی سهمگین کشانده اند. باید با علم روانشناسی انسان آشنا بود تا این مقوله را درک کرد.

"طوفان" مقاومت و انقلاب وزیدن گرفته است.

دکتر عزیز فولادوند

2 مرداد 1399 (23.07.2020)